حادثه‌ها

دستگیری ۱۳۸۹ مرد و ۴۸ زن در چهارشنبه‌سوری

● رئیس‌پلیس پیشگیری ناجا درباره آمار خسارات جانی حوادث چهارشنبه‌سوری از دستگیری هزارو ۳۸۹ مرد و ۴۸ زن در چهارشنبه‌سوری امسال خبر داد و گفت: از این تعداد ۹۵۹ نفر به مراجع قضائی معرفی و مابقی با اخذ تعهد آزاد شدند. به گزارش ایسنا، سردار محمد شرفی، درباره حوادث چهارشنبه‌سوری امسال گفت: امسال زمان استفاده از مواد محترقه کاهش یافت. وی از دستگیری هزارو ۳۸۹ مرد در چهارشنبه‌سوری امسال خبر داد و گفت: از این تعداد ۹۲۳ نفر به مراجع قضائی معرفی و مابقی با اخذ تعهد آزاد شدند. سردار شرفی همچنین از دستگیری ۴۸ زن در این شب خبر داد و افزود: از این تعداد نیز ۱۲ نفر با اخذ تعهد آزاد و مابقی به مراجع قضائی معرفی شدند. به گفته وی در آمار دستگیری‌ها نیز شاهد کاهش نسبت به مدت مشابه در سال قبل بوده‌ایم. رئیس پلیس پیشگیری ناجا درباره آمار خسارات جانی حوادث چهارشنبه‌سوری گفت: ۱۸۵ نفر در بیمارستان بستری شدند و هزارو ۹۳ نفر نیز به شکل سرپایی در محل درمان شدند. همچنین دو نفر نیز جان خود را از دست دادند که یکی از آنها در تهران و دیگری در اصفهان بود. وی اضافه کرد: برابر آمارها در این شب ۴۶ نفر از عوامل اورژانس، پلیس و آتش‌نشانی نیز در سراسر کشور مصدوم شده‌اند. سردار شرفی در ابتدای این نشست درباره عملکرد پلیس پیشگیری در ۱۱ ماه گذشته تصریح کرد: در این مدت دستگیری قاچاقچیان کالا پنج درصد افزایش داشته است. وی با بیان اینکه ۱۸ درصد از دستگیری معتادان نیز متعلق به پلیس بوده است، گفت: جیب‌بری در کشور پنج درصد کاهش داشته است ولی در سرقت دوچرخه رشد ۵درصدی و در سرقت احشام شاهد رشد ۲۵درصدی بوده‌ایم. رئیس پلیس پیشگیری ناجا افزود: پلیس در ۶۳ درصد از مأموریت‌ها در کمتر از ۱۰ دقیقه در محل حادثه حضور داشته است و در زمان وقوع جرائم خشن در ۸۰ درصد از پرونده‌ها پلیس کمتر از ۱۰ دقیقه بعد از اعلام حادثه در محل حادثه حضور یافته است. سردار شرفی با بیان اینکه آمارها میانگین کل کشور است، گفت: آمارها در تهران در برخی شاخص‌ها متفاوت است. وی همچنین از رصد رفتار مأموران کلانتری‌ها و اپراتورهای ۱۱۰ از سوی بازرسی ناجا خبر داد و افزود: در صورت رسیدگی‌نکردن به درخواست‌ها از سوی مأموران یا اپراتورها یا همچنین در صورت تماس با ۱۱۰ و تأخیر در ارسال مأمور انتظامی، شهروندان می‌توانند انتقادات خود را با ۱۹۷ در میان بگذارند. رئیس پلیس پیشگیری ناجا با اشاره به برنامه‌های پیش‌روی پلیس در سال ۹۶ اظهار کرد: پایش مناطق حاشیه‌نشین و گسترش نظارت تصویری در این مناطق و همچنین نصب دوربین روی لباس مأموران گشتی و خودروهای پلیس پیشگیری از جمله این برنامه‌هاست. وی با بیان اینکه ارسال الکترونیک پرونده‌های قضائی از کلانتری در سال آینده نیز توسعه یافته و گزارش پیامکی روند رسیدگی به پرونده نیز در سال آتی ادامه خواهد داشت، در ادامه از راه‌اندازی سامانه افراد دارای نیازهای ویژه در پلیس پیشگیری تا سال آینده خبر داد و گفت: افرادی مانند بیماران مبتلا به آلزایمر اطلاعاتشان با همکاری بهزیستی و دیگر نهادهای مسئول جمع‌آوری و در یک سامانه ثبت می‌شود. وی با اشاره به عملکرد دو پلیس فرودگاه و پیشگیری در سال جاری اظهار کرد: در حوزه فرودگاهی شاهد افزایش ۱۹درصدی کشفیات مواد مخدر و همچنین افزایش ۶۴درصدی کالای قاچاق بوده‌ایم. در حوزه ریلی و پلیس راه‌آهن نیز افزایش ۳۲درصدی در کشف مواد مخدر و ۱۵۱درصدی در ارزش ریالی کالای قاچاق را شاهد بوده‌ایم. رئیس پلیس پیشگیری ناجا با بیان اینکه تمامی کلانتری‌ها و پاسگاه‌های پلیس به دوربین مجهز هستند، گفت: تنها در بخش‌هایی که توسعه الکترونیک وجود نداشته، این اقدامات انجام نشده که آن هم در چند روستا و ده است و برنامه‌هایی را نیز برای توسعه آن در دست اجرا داریم.

پایان کار سارق منازل

● رئیس‌پلیس آگاهی استان آذربایجان غربی از دستگیری سارق منازل و اعتراف به ۲۶ فقره سرقت در سلماس خبر داد. سرهنگ «سامان غنی‌زاده» گفت: در پی وقوع چندین فقره سرقت از منازل در سلماس، به دلیل حساسیت موضوع شناسایی و دستگیری سارق یا سارقان در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت. وی افزود: مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی، موفق شدند سارق را شناسایی کنند که در استعلام‌های صورت‌گرفته مشخص شد متهم از سارقان حرفه‌ای و سابقه‌دار است. سرهنگ غنی‌زاده اظهار کرد: با شناسایی مخفیگاه متهم، مأموران به صورت نامحسوس وی را تحت نظر قرار دادند که در نهایت حین سرقت دستگیر شد. رئیس پلیس آگاهی استان آذربایجان غربی با اشاره به اینکه متهم در بازجویی‌های پلیسی به ۲۶ فقره سرقت از منازل در شهرستان سلماس اعتراف کرد، گفت: متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی، تحویل مقامات قضائی شد.

گفت‌وگو با اعضای باندی که ۲۰ میلیارد تومان کلاهبرداری کردند

فقر و بدبختی ما را مجرم کرد

شرق، شاهد حلاج‌نیشابوری: ۱۸ نفر از مجرمانی که در قالب چهار باند مجرمانه موفق شده بودند بیش از ۲۰ میلیارد تومان از بانک‌های مختلف کلاهبرداری کنند، دستگیر شدند. جاعل این باندها حلقه واصل آنها بوده و این مجرم مدعی است برای جعل هر برگ چک که میلیون‌ها تومان با آن کلاهبرداری می‌شد، تنها صد تا ۱۵۰ هزار تومان دستمزد می‌گرفته است. اعضای این باندها که در شهرهای مختلف کشور اقدام به جعل و کلاهبرداری کرده‌اند، وقتی مورد پرسش قرار گرفتند که چرا مرتکب این عمل شدند، بدهکاری و شرایط بد اقتصادی را علت اصلی عنوان کردند اما وقتی از آنها سؤال شد آیا سرنوشت کسانی را که مورد سرقت قرار می‌گرفتند هم در نظر می‌گرفتید، سکوت کردند؛ هرچند می‌گفتند سراغ هرکسی نمی‌رفتند و بیشتر سراغ شرکت‌ها و افرادی می‌رفتند که این مبالغ در حسابرسی‌های آنها دیده نمی‌شد. گفت‌وگو با سردسته و چند نفر از اعضای این باندها را می‌خوانید.

سردسته:

اسمت چیست و چند سال داری؟

اکبر هستم، ۴۲ساله.

شغلت چه بود و چرا تصمیم به کلاهبرداری گرفتی؟

من سه، چهار سال است این کار را می‌کنم، قبل از آن برنج‌فروش بودم، پولم را در این کار خوردند. آن موقع دیگر چاره‌ای برایم نماند، آن‌قدر نزول و بهره داده بودم که دیگر از عهده‌اش بر نمی‌آمدم، در کف بازار هم که تا ریال آخر را از آدم می‌گیرند.

نقش شما در این جرائم چه بود؟

من هماهنگ‌کننده بودم و می‌گفتم کی، چه کاری انجام دهد.

چه شد که تصمیم به کلاهبرداری گرفتی؟

سال قبل بود که با بچه‌محل‌ها این کار را شروع کردم، آنها که دستگیر شدند من ادامه دادم.

چقدر از این کار به دست آوردی؟

۸۰۰ میلیون تومان.

این همه پول را برای چه می‌خواستی؟

در برنج‌فروشی، پولم را بردند و بدهی بالا آوردم؛ مجبور شدم دست به کار خلاف بزنم.

حالا چطور می‌خواهی این پول‌ها را پس بدهی؟

حدود ۴۰۰ میلیون از اموال را به دادگاه معرفی کردم.

می‌گویی به خاطر بدهی مجبور شدی این کار را بکنی، اما بعد از اینکه بدهی‌هایت را هم دادی، این کار را ادامه دادی، چرا؟

اشتباه کردم، از اول اشتباه کردم و بعد هم اشتباهم را ادامه دادم که وقتی بدهی‌ام را دادم، باز هم آن را ادامه دادم.

چند بچه داری؟ به آنها چه می‌خواهی بگویی؟

چهار بچه دارم؛ نمی‌دانم چه بگویم.

چطور با اعضای باند آشنا شدی و آنها را چطور انتخاب کردی؟

آنها همگی دوستان من بودند که مشکلات و بدبختی‌های زیادی داشتند. حتی هستند افرادی که به خاطر ۱۰ میلیون، کار خلاف را شروع کردند. این در حالی بود که همه امکانات در شهرهای تهران و اصفهان و قزوین و شهرهای بزرگ متمرکز است و فرصت‌های شغلی هم آنجاست. وقتی بی‌کار می‌شویم چه باید بکنیم؟ زمین هم داریم که ارزش زیادی ندارد. البته کل گروهی که با من کار می‌کردند، سه، چهار نفر هستند و ما سه، چهار گروه هستیم که فقط جاعل برای همه ما کار می‌کرد.

شیوه کلاهبرداری چطور بود؟

یک نفر از ما در بانک از چکی که یکی از مشترهای بانک قصد پشت‌نویسی آن را داشت، عکس می‌گرفت، بعد ما آن عکس را به جاعل می‌دادیم و او همه چیز چک را شبیه چکی که آن مشتری نقد کرده بود درست می‌کرد و فقط رقم را روی آن نمی‌نوشت و یکی دیگر از بچه‌ها با یک خودکار مخصوص رقمی را روی چک می‌نوشت و به بانک می‌برد. اگر چک نقد می‌شد که هیچ، اما اگر به خاطر کسری موجود چک نقد نمی‌شد، بیرون می‌آمدند و با حرارتی که به جوهر مخصوص می‌دادند رقم چک را عوض می‌کردند و دوباره داخل بانک می‌رفتند و آن را وصول می‌کردند.

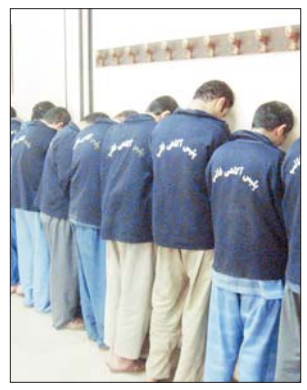

حالا که مرتک جرم شدی و ممکن است زندانی شوی، بعد از آزادی می‌خواهی چه کنی؟

من بازاریاب خوبی هستم و بعد از این می‌خواهم بروم به آن شغل ادامه بدهم.

خب چرا زمانی که وارد خلاف شدی، به این فکر نکردی که بروی بازاریابی؟

من قبل از آن هم همین کار را می‌کردم و در کار خریدوفروش برنج بودم اما پولم را بردند و وقتی بدهی زیاد داشته باشی و همه به تو فشار بیاورند، چاره‌ای نداری.

مصاحبه مرد متهم به جعل

اسمت چیست و چند سال داری؟ چقدر درس خوانده‌ای؟

جاعل: اسمم جواد است و ۳۲ساله هستم و تا اول راهنمایی درس خواندم.

جعل را چطور یاد گرفتی؟

از روی کنجکاوی، کسی جعل را به من یاد نداد، علاقه داشتم و به خاطر کنجکاوی چیزهای مختلفی را امتحان می‌کردم تا نتیجه مطلوب را به دست بیاورم.

قبل از جعل شغلت چه بود؟

من نمایشگاه ماشین داشتم، اما نوسان قیمت زیاد باعث شد دچار مشکل و وارد این کار شوم.

برای جعل هر برگ چک چقدر می‌گرفتی؟

بین صد تا ۱۵۰، کار بیشتر برایم جنبه سرگرمی داشت.

تا قبل از دستگیری چند فقره چک جعل کرده بودی؟

فکر کنم ۳۰۰ فقره.

می‌گویی خودت شروع به جعل کردی، چقدر طول کشید که حرفه‌ای شوی؟

سه ماه طول کشید و هرکس شروع کند، اگر پشتش را بگیرد سه‌ماهه جاعل حرفه‌ای می‌شود.

تو که خودت جعل می‌کردی چرا خودت همه کارهای دیگر را هم انجام نمی‌دادی؟

چون من این کار را برای سرگرمی می‌کردم. اوایل هم مواد اولیه نداشتم تا خودم این کار را بکنم؛ اما بعد که راه‌وچاه را یاد گرفتم، یک‌بار یک چک صد میلیونی برای خودم نوشتم و نقد کردم.

تو که آن‌قدر چک بانکی را جعل کرده‌ای، آیا پیشنهادی داری که امکان جعل کمتر شود؟

پیشنهادهایی دارم؛ من راه‌هایی را می‌توانم نشان دهم که کسی نتواند چک‌ها را جعل کند.

آیا موضوع پیشنهادات را مطرح کرده‌ای؟

بله؛ به بانک... که از لحاظ امنیت استاندارد چک یکی از ضعیف‌ترین بانک‌ها است و من دو طرح را درباره آن به بازپرس داده‌ام.

گفت‌وگو با سومین متهم

قبل از اینکه وارد کار خلاف بشوی، شغلت چه بود؟ چرا این کار را شروع کردی؟

در کار خریدوفروش برنج بودم. ۳۵ میلیون بدهی داشتم؛ مجبور شدم.

چرا این اتفاق افتاد؟

پول نزول کردم، پولم را خوردند.

چرا دست به این کار زدی؟

وقتی یک‌شبه پولت را می‌خورند و هر روز اخبار اختلاس سه‌هزارمیلیاردتومانی یا ۱۰هزارمیلیاردتومانی را می‌شنوی، شما دلت نمی‌خواهد یک‌شبه پولدار شوی؟

یعنی چون یکی اشتباه کرد، تو هم باید اشتباه کنی؟

من حقم را جور دیگری می‌گرفتم.

وظیفه تو در گروه چه بود؟

من از چک‌ها عکس می‌گرفتم.

حالا می‌خواهی چه کار کنی؟

نمی‌دانم.

یعنی چه؟

خب خیلی از مجرمان وقتی آزاد می‌شوند باز هم سراغ جرم می‌روند؛ چون تحت فشار هستند که پول شاکیان را بدهند و هیچ راهی سریع‌تر از ارتکاب به جرم برای به‌دست‌آوردن پول سراغ ندارند؛ برای همین دوباره خلاف می‌کنند.

چقدر بدهی داشتی؟

۲۸۰ میلیون پولم را بردند.

این پول را در چند سال به دست آورده بودی؟

هفت، هشت سال.

در خلاف چقدر پول درآوردی؟

یک‌ساله بدهی‌هایم را دادم.

یعنی پولی که در شرایط عادی هشت سال زمان می‌برد تا برگردد، با خلاف یک‌ساله به دست آوردی؟

بله.

چقدر درس خوانده‌ای؟

دیپلم دارم.

درحال‌حاضر می‌خواهی چه کار کنی؟

الان آمده‌ام دانشگاه.

یعنی بعد از آزادی می‌خواهی خلاف کنی که الان داری یاد می‌گیری؟

بستگی به شرایط دارد که چطور بشود.

به چه بستگی دارد؟

من الان چند طرح دارم که در جلوگیری از جعل چک بسیار مؤثر است. اگر به ما کمک کنند تا بدهی‌هایمان را بپردازیم، این طرح‌ها را با آنها مطرح خواهم کرد.

مصاحبه با یکی دیگر از اعضای باند

اسمت چیست و چند سال داری؟

اسمم کامران است و ۴۰ سال دارم.

چه مدت است با این گروه در جعل و کلاهبرداری همکاری می‌کردی؟

یکی، دو سال.

تو وظیفه‌ات چه بود؟

من چک نقد می‌کردم.

چرا؟

من خودم در کار ساختمان هستم؛ اما به خاطر مشکلات مالی و بیماری برادرم که در سربازی این بلا سرش آمد، مجبور به این کار شدم. از عهده هزینه درمان برنمی‌آمدم.

چرا برادرت به این بیماری دچار شد؟

او رماتیسم مفاصل داشت و در سربازی بیماری او به بهجت تبدیل شد؛ اما هیچ حمایتی از او نشد و من همه هزینه‌های درمان را به تنهایی پرداختم.

یعنی اگر برای درمان برادرت حمایت می‌شدی، این کار را نمی‌کردی؟

نه، این کار را نمی‌کردم. من درآمد خودم را داشتم و اگر حمایت می‌شدم، برای درمان برادرم بدهکار نمی‌شدم و خانه‌ام را گرو بانک نمی‌گذاشتم و بانک خانه‌ام را مصادره نمی‌کرد.

این ماجراها چقدر طول کشید؟

۱۰ سال؛ در این مدت من فقط بدهی بالا آوردم برادرم نابینا شد و هیچ بیمه‌ای هم به او تعلق نگرفت.

مگر در سربازی بیمه نبود؟

پرونده پزشکی‌اش وجود دارد. هیچ‌کس مسئولیت قبول نکرد.

چطور وارد این کار شدی؟

وضع خانوادگی ما خوب نبود. پرس‌وجو کردم و این کار را به من معرفی کردند.

آیا فکر می‌کردی که روزی دستگیر شوی؟

بله، چرا فکر نمی‌کردم. می‌دانستم اشتباه است؛ اما چاره دیگری نداشتم. عذاب‌وجدان داشتم و می‌دانستم گیر می‌افتم؛ اما زندگی‌ام در حال تباهی بود. کسی به من رحم کرد که من به کسی رحم کنم؟

اگر آزاد شوی چه می‌کنی؟

اگر رفتم بیرون، می‌روم سر شغل خودم و اگر شاکیان قبول کنند، به صورت قسطی پول را می‌پردازم.

قتل به خاطر عشق دوران جوانی

شرق: مرد جوانی که متهم است شوهر زنی را که با او رابطه داشته، به قتل رسانده است، ادعا کرد قاتل نیست و شخص دیگری این قتل را انجام داده است. به گزارش خبرنگار ما، تیرماه سال ۹۳ مرد میان‌سالی با عروس جوانش به نام مهناز به اداره پلیس مراجعه کرد و گفت پسرش کامران مفقود شده است. این مرد به مأموران گفت: آخرین بار عروسم او را دید که با کیسه‌ای از پول برای معامله زمین از خانه بیرون رفته و تاکنون برنگشته است و تماس‌هایش را هم پاسخ نمی‌دهد. شش روز پس از اعلام این خبر، مأموران جسد مرد جوانی با همین مشخصات را در کانال آبی سمت رباط‌کریم پیدا کردند. پس از تأیید هویت جسد، مأموران جنایی به‌سرعت وارد عمل شدند. مأموران در تحقیقات اولیه از همه دوستان و اطرافیان کامران بازجویی کردند و متوجه تناقض‌گویی‌های مهناز شدند. به‌این‌ترتیب، مهناز را زیر نظر گرفتند و متوجه شدند او با مردی به نام فرهاد رابطه دارد؛ بنابراین مأموران فرهاد را دستگیر کرده و از او بازجویی کردند. او به مأموران جنایی گفت: ۲۰ سال قبل خواستگار مهناز بودم. ما یکدیگر را دوست داشتیم و می‌خواستیم با هم ازدواج کنیم تا اینکه کامران به خواستگاری مهناز رفت و با او ازدواج کرد. من هم بعد از این اتفاق به سربازی رفتم و زمانی که برگشتم، ازدواج کردم و از مهناز خبر نداشتم تا اینکه سال ۸۹ مهناز با من تماس گرفت و گفت زندگی خوبی با کامران ندارد و می‌خواهد از او طلاق بگیرد و همه اینها به خاطر توست. بعد از آن، تماس‌های ما روزبه‌روز بیشتر شد؛ تا اینکه کامران متوجه رابطه ما شد و چندبار من را تهدید کرد. بعد از آن یک روز مهناز کلید خانه را به من داد و گفت بیا کامران را از سر راهمان برداریم. کلید را گرفتم و ساعت دو شب به خانه آنها رفتم؛ اما نتوانستم کامران را به قتل برسانم و از خانه خارج شدم. چند روز بعد از این ماجرا، مهناز باز سراغ من آمد و گفت کامران برای گرفتن انتقام، می‌خواهد بلایی سر دختر بزرگت بیاورد. این کلید را بگیر و امشب کار را تمام کن. روز حادثه بار دیگر وارد خانه آنها شدم؛ اما این بار با جسد کامران روبه‌رو شدم که روی زمین افتاده بود. به‌سرعت جسد را از ساختمان بیرون بردم و داخل ماشین گذاشتم. بعد از آن به سمت رباط‌کریم حرکت کردم و جسد را در کانال آب انداختم. با توجه به اعترافات فرهاد و سایر مدارک موجود در پرونده و شکایت اولیای دم، کیفرخواست علیه او و مهناز صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه هشت دادگاه کیفری استان تهران ارسال شد. پس از انجام تشریفات قانونی، اولیای دم در جایگاه حاضر شدند و از دادگاه تقاضای قصاص را برای متهم کردند. سپس فرهاد در برابر قضات قرار گرفت و پس از بازگوکردن روز حادثه، در آخرین دفاعیات خود گفت: من قاتل نیستم. فقط آن شب جسد کامران را از خانه به رباط‌کریم انتقال دادم. شخص دیگری کامران را به قتل رسانده است که مهناز از آن خبر دارد. بعد از آن مهناز در جایگاه حاضر شد و گفت: فرهاد دروغ می‌گوید. من هرگز با او رابطه‌ای نداشته‌ام. نمی‌دانم چه کسی همسرم را به قتل رسانده است. آخرین بار او با پای خودش از خانه خارج شد و دیگر بازنگشت. با پایان جلسه رسیدگی، هیئت قضات برای تصمیم‌گیری درباره این پرونده وارد شور شدند.

رخداد

سارق خودرو، حین ارتکاب جرم دستگیر شد
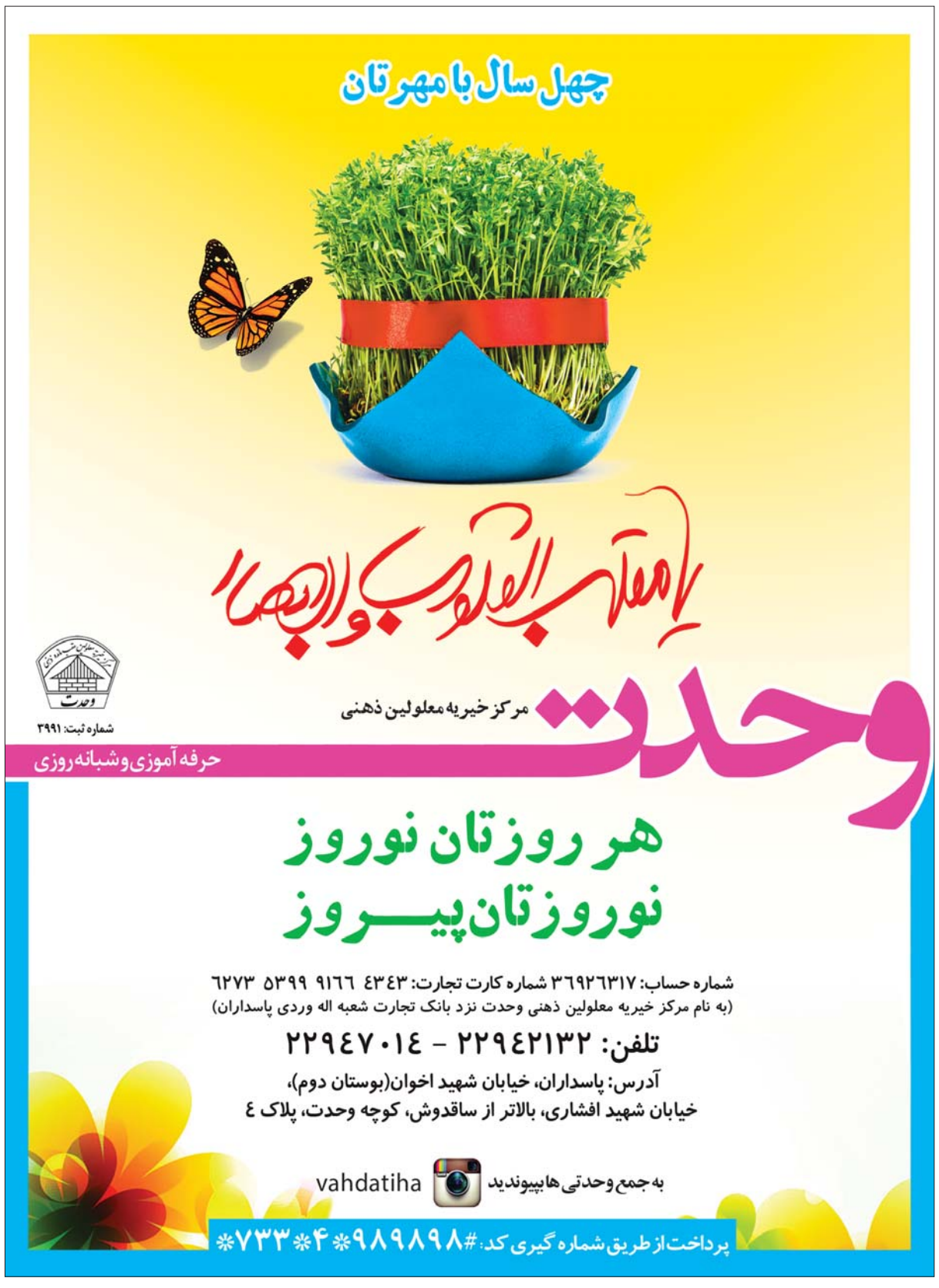
● رئیس کلانتری سنایی از دستگیری سارق زورگیر خبر داد و افزود: متهم علاوه بر این سرقت، به سرقت یک دستگاه خودرو در کرج نیز اعتراف کرد. سرهنگ میرمحمدرضا موسوی در تشریح جزئیات این خبر گفت: مأموران کلانتری در حال گشت‌زنی در محدوده خیابان کریمخان بودند که مشاهده کردند دو نفر در خیابان با هم درگیر شده‌اند و در حال ضرب و شتم هستند. برای بررسی موضوع و جلوگیری از وقوع حوادث وخیم‌تر، وارد عمل شدند، در ادامه یکی از طرفین درگیری گفت: «من راننده خودرو تاکسی هستم، ضارب را به‌عنوان مسافر، سوار تاکسی‌ام کردم و به این محل انتقال داده‌ام. ولی ضارب حین پیاده‌شدن از خودرو، بنده را مورد ضرب‌وشتم قرار داده و قصد داشت با زور خودرویم را به سرقت ببرد». سرهنگ موسوی ادامه داد: مأموران کلانتری در تحقیقات مقدماتی دریافتند ضارب، سارق زورگیر خودرو بوده و در بازرسی بدنی از او دو عدد سوئیچ و مدارک یک خودرو کشف و ضبط شد که متهم و شاکی به همراه مدارک و اموال کشف‌شده برای بررسی بیشتر به کلانتری انتقال داده شدند. این مقام انتظامی بیان کرد: متهم در بازجویی به جرم خود اعتراف کرد و بدوا مدارک کشف‌شده را متعلق به خود خواند. ولی در پی استعلام انجام‌شده، مشخص شد که او مالک مدارک خودرو نبوده و احتمال اینکه سوئیچ‌ها مربوط به خودروی سرقتی باشد، ظن مأموران را برانگیخت. سرهنگ موسوی گفت: مشخصات مالک مدارک خودروی کشف‌شده استعلام شد و مالک خودرو در ارتباط تلفنی با پلیس ذکر کرد «دیروز صبح، فردی را در کرج به‌عنوان مسافر، سوار خودرویم کردم که مسافر پس از مسافتی، اقدام به زورگیری و سرقت خودرو و تمام مدارکم کرد. برای دستگیری سارق، وقوع سرقت خودرو و مشخصات ماشین را به کلانتری در کرج اطلاع دادم». رئیس کلانتری ۱۰۵ سنایی در پایان گفت: مأموران با تحقیقات بیشتر خودرو سرقتی در کرج را در یکی از خیابان‌های مرکز شهر کشف کردند و پرونده اولیه متهم به همراه خودرو و مدارک کشف‌شده، برای بررسی دقیق‌تر به پایگاه سوم پلیس آگاهی پایتخت تحویل داده شد.